

تحلیل کیفی ابعاد سواد دینی دانشگاهیان ایرانی

مصطفی جعفری^۱، محمد علی زالی^۲

^۱ استادیار و مدیر گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت استراتژیک، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

نویسنده مسئول:

محمد علی زالی

چکیده

مقاله حاضر، با هدف تحلیل کیفی ابعاد سواد دینی در میان دانشگاهیان ایرانی صورت گرفته است. اهمیت دین و سواد دینی در جامعه دینی ایران و علاقه مندی محققین نسبت به این حوزه سبب گردید، اقدام به ارزیابی و توصیف وضعیت و ابعاد سواد دینی دانشگاهیان به عنوان قشر مترقی جامعه کنند. روش تحقیق کیفی و رویکرد پدیدارشناسانه در دستور کار قرار گرفت. محققین با تنظیم پرسشنامه ای خود ساخته (شامل نه سوال) با توجه به متغیرهای سواد دینی به سراغ اعضای نمونه رفتند. پرسشنامه ها با حضور محققین در محل های حضور دانشجویان و اساتید و با نظارت مستقیم و دقیق آنها تکمیل شد. اعضای نمونه شامل دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و تعدادی از اساتید دانشگاهی بودند. پس از تکمیل پرسشنامه ها، طبقه بندی داده ها صورت گرفت و داده های مخدوش و نامطمئن کنار گذاشته شد. تحلیل داده پژوهش حاضر، از نوع تحلیل تفسیری است که با جمع آوری داده های کیفی و تجزیه و تحلیل کیفی و کمی صورت گرفت. نتایج حاصله، سطح پایین سواد دینی در میان اعضای نمونه را آشکار ساخت و ضرورت توجه به سیاست گذاری های دقیق و مسئولانه در حوزه دین و سواد دینی را پیشنهاد می دهد.

کلمات کلیدی: سواد دینی^۱، مدیریت دانش^۲، دین^۳، دانشگاهیان ایرانی.

^۱ Religious literacy

^۲ Knowledge management

^۳ religion

مقدمه

دین یکی از عناصر اصلی حیات اجتماعی و معنوی انسان از گذشته های دور تاکنون بوده است. درک درست افراد جامعه از دین و شیوه رفتار دینداران، موجب افزایش دوستی و مودت میان آنها می شود، حال آنکه درک نادرست و دور از واقعیت از دین، موجب کژ فهمی شده و تعارضات را در میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف افزایش می دهد. اخیرا شاهد اینگونه تعارضات که باعث بروز خشونت های دردناکی در جوامع مختلف شده است، بوده ایم. نمونه های آن، انفجار مسجدی در نیوزلند و انفجار هایی در کلیساهای سریلانکا در ماههای گذشته است که جامعه جهانی را در بهت فرو گذاشت. درک اشتباه از دین و آموزش بی کیفیت در حوزه دین را می توان از دلایل ریشه ای اینگونه وقایع دانست لذا فهم وضعیت دین فهمی و برنامه ریزی برای کاهش تعارضات میان پیروان ادیان مختلف می تواند در کاهش خشونت های دینی موثر باشد.

تحقیقاتی نظیر تحقیق حاضر می توانند نگاهی جدید و البته مهمی را پیش روی برنامه ریزان آموزشی قرار دهند و توجه به بعد دین را در برنامه ریزی ها به خود معطوف نماید. خصوصا در جوامعی مانند ایران که سابقه ای هزاران ساله از حضور دین در تک تک ساحت های زندگی را تجربه کرده، شناخت صحیح از دین و زدودن باورهای مخدوش از آن، به شدت احساس می شود.

در این مقاله سعی شده است با بررسی سطوح سواد دینی در میان دانشگاهیان و استخراج الگوی آن، گام کوچکی برای درک چگونگی و روند سواد دینی برداشته شود. لازم است توجه نماییم که دین داری و سواد دینی دو مقوله متفاوت می باشند. دین داری مرتبط با یک دین مخصوص است، که هم عمل به ظواهر دین خاص را شامل می شود و هم باور های عمیق و باطنی فرد دیندار را نسبت به دین خاصی، دربر می گیرد. جنس سواد دینی از نوع آگاهی است- آگاهی از اعتقادات افراد مختلف نسبت به دین خود و ادیان مختلف. بهره مندی از سواد دینی، لزوما به دین داری منجر نمی شود اما می تواند افراطی گری و روحیه خود برتر بینی را در شخص تلطیف کرده و شرایط را برای تسامح، تکرر و احترام متقابل بین پیروان ادیان مختلف فراهم نماید. هدف از این تحقیق بررسی و شناخت ابعاد سواد دینی در میان دانشگاهیان ایرانی است تا براساس نتایج به دست آمده پیشنهادهای برای برنامه ریزان حوزه های آموزشی و دینی ارائه شود.

یافته های این مقاله نکات جالب توجهی را در خود داشت. مواجهه با افراد مذاهب دیگر و همچنین مصاحبه با اساتید دانشگاهی دید جدیدی را به محققین داد. داده های این مقاله روزه جدیدی را از وضعیت سواد دینی گشود. با تجزیه و تحلیل این داده ها، بیست و یک نتیجه حاصل گردید و با توجه به این نتایج، پنج پیشنهاد ارائه شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

محقق به نام ونساب اوم (۲۰۱۱)، در تحقیقی به بررسی تاثیر دین بر رشد درآمد ملی پرداخته است. او نتیجه گیری می کند دین تاثیری در رشد درآمد ملی ندارد. بر خلاف تصویری که براساس آن در دنیای مدرن، از قدرت دین به شدت کاسته خواهد شد و یا حتی دین از بین خواهد رفت، دین، قدرتمند باقی مانده است و این موضوع به وضوح در کشورهای خاورمیانه و شرق آسیا خود را نشان می دهد. در ایالات متحده نیز به عنوان پیشرفته ترین کشور جهان، تا به امروز تاثیر و تداوم آشکاری داشته است. در مقاله ای تحت عنوان رهبری دانش دینی در میان دانشگاهیان، عنوان شده با توجه به ظرفیت اخلاقی و معنوی دانشگاهها، دانشگاهیان باید در بهبود کیفیت مباحثات دینی، ایفای نقش داشته باشند و بدون اینکه به یکپارچگی دانشگاهها لطمه ای وارد کنند، به تقاضاهای دانشجویان مذهبی نیز پاسخ دهند. همین مقاله اشاره دارد که سواد دینی به مفهوم " توانایی استفاده از عبارات و نماد های دینی برای اهداف شهروندی " است و عنوان می شود که برای بودن به عنوان شهروندی موثر، به سواد دینی نیاز داریم (www.religiousliteracyHE.org). بی سوادگی گستره ای در مورد دین در سراسر جهان وجود دارد و ممکن است این امر با تدریس دین با یک دیدگاه غیر دینی در مدارس ابتدایی و متوسطه کاهش یابد (دیان ال. مور، ۲۰۱۵). همچنین دیان ال. مور، اضافه می کند که در تعامل با معلمان دینی در شرق آفریقا، پاکستان، هند، اندونزی و ایالات متحده، متوجه شده علیرغم وجود تفاوت های بزرگ بیرونی و درونی این جوامع، یک رویکرد و درک مشترک دینی از دیدگاه شان، در شیوه ها و مفروضات زیر وجود دارد:

۱) سنت های مذهبی اغلب توسط افرادی که خود را "مذهبی" می دانند و همچنین کسانی که خود را "غیر مذهبی" می انگارند، به اشتباه درک شده است. برای کسانی که خود را "مذهبی" می پندارند، این ناسازگاری اغلب خود را در رابطه با سنت های خودشان و همچنین سنت های ایمانی دیگران، نشان می دهد.

۲) سنت های مذهبی اغلب در درون خود یکنواخت و مخالف تنوع و تحول هستند.

۳) دین در روش عمیقا و تقریبا به طور انحصاری با فرقه گرایی معادل است و این سبب می شود که مطالعه دین به یک مفهوم دشوار، برای فهم و بکارگیری، تبدیل شود.

۴) معتقدان به یک سنت مذهبی مشخص، بهترین منابع اطلاعات در مورد سنت هستند و اغلب به طور رسمی یا غیر رسمی به عنوان "کارشناسان" این سنت ها مطرح می شوند و این موضوع ایجاد تمایز بین مطالعه علمی دین و جهان بینی مذهبی دینی خاص را با شکست مواجه می کند.

۵) در برخی موارد، مذهب به عنوان یک «امر خصوصی» متمایز از حوزه سکولار «عمومی» سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تفسیر می شود.

در همین مطالعه، آموزگاران که از طریق سمینارهای یادگیری همکارانه سواد دینی، آموزش دیده اند، به طور منظم گزارش می دهند در طول این آموزش ها، مفروضات ناخودآگاهشان در مورد دین های مختلف به چالش کشیده می شوند و مفروضات شان غالبا اشتباه از آب در می آیند. در رابطه با سمینارهای یادگیری همکارانه که به طور خاص بر دین اسلام داشت، بسیاری از آموزگاران غیرمسلمان گزارش دادند که پیش از این سمینارها، اعتقادات منفی ریشه داری نسبت به اسلام و مسلمانان داشته اند چیزی که در فرهنگ های غیرمسلمان، مسلمانان را ترسناک جلوه می دهد. در زیر نمونه ای از رایج ترین پاسخ ها به یک سوال که به عنوان بخشی از ارزیابی نهایی سمینار یادگیری همکارانه در مورد اسلام پرسیده شد، ارائه می گردد. این سوال به شرح زیر است: "لطفا پنج تا ده مورد از فرضیه های مربوط به دین اسلام را که پیش از شرکت در سمینار یادگیری همکارانه داشته اید و طی شرکت در این سمینار تعدیل و یا تغییر یافته اند را ذکر کنید" جواب ها اینگونه اند:

"مسلمانان همه ضد کافر و بسیار خشن هستند"

"تمامی مردان مسلمان، رفتار بدی با زنان دارند"

"مسلمانان اغلب در کشورهای عربی زندگی می کنند"

"اسلام تسلط بر دیگران را آموزش می دهد"

"اسلام، طرفداران متعصب تولید می کند و بدین صورت موجب بروز جنگ و رفتارهای تروریستی می شود"

"پذیرش اسلام [از لحاظ تاریخی] از طریق زور بود و نه داوطلبانه"

"اسلام، اساسا ضد یهودی و ضد آمریکایی است."

"همه مسلمانان بنیادگرا هستند."

چرا آموزش سواد دینی ضرورت دارد؟

نویسندگان کتاب "آموزش سواد دینی به نوجوانان بعد از حادثه یازده سپتامبر"، رابرت جی.نش و پنی ای. بیشاپ (۲۰۱۰، ص ۶) از زبان موزز^۴ می نویسند:

آموزش چند فرهنگی یک رویکرد گسترده آموزشی است که در آن دانش آموزان یاد می گیرند چه چیزی هایی برای زندگی و رشد و نمو آنها در یک جامعه چند فرهنگی ضرورت دارند. آنها می آموزند فرهنگ های متفاوت موجب ایجاد تنوع در شناخت، فهم و احترام عمومی می شود، ادغام اجباری در یک فرهنگ غالب نباید مورد قبول واقع گردند و باید ساختارهای ناعادلانه اجتماعی مورد سوال قرار گیرند.

همچنین این محققان از زبان موزز، ادامه می دهند، سه " هدف انتقادی " از لزوم آموزش چند فرهنگی ارائه وجود دارد که بدین شرح است:

۱. شکل گیری نگرش ها، تنها افتخار آموزش چند فرهنگی نیست بلکه سبب می شود نژاد پرستی و ستم با ارزیابی و چالش مواجه گردد و سرانجام به پایان برسد.
۲. سبب ایجاد محیط اجتماعی ای می شود که در آن دانش آموزان بدون توجه به تفاوت های فرهنگی، نژادی، مذهبی، جنسیتی، توانمندی، رویکرد جنسی و طبقه اجتماعی، با هم ارتباط بگیرند.
۳. دانش آموزان، قدرتمند و خود اتکا تربیت شوند.

تعریف بی سواد دینی و سواد دینی

دیوان ال. مور (۲۰۱۵) بی سواد دینی را ناشی از فقدان آگاهی در موارد زیر می داند:

۱. اصول اساسی سنت های دینی جهان
۲. تنوع بیان و باورهای سنت هایی که در ارتباط با زمینه های مختلف اجتماعی / تاریخی ظهور و تکامل می یابند.
۳. نقش عمیق دین در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بشر در دوران تاریخی و معاصر.

بنابراین این محقق دانشگاه هاروارد، سواد دینی را بدینگونه تعریف می نماید:

سواد دینی مستلزم توانایی تشخیص، تجزیه و تحلیل نقاط اساسی برخورد دین و زندگی اجتماعی / سیاسی / فرهنگی از طریق لنزهای متعدد است. به طور خاص، یک فرد دارای سواد مذهبی اولاً: درک پایه ای از تاریخ، متون اصلی (که قابل دسترسی است)، باورها، شیوه ها و تجربیات معاصر چندین سنت دینی در جهان که در جامعه خاصی رشد و ادامه داشته است را دارد. دوماً: در زمینه های تاریخی و فرهنگی؛ توانایی کشف و تشخیص ابعاد مذهبی در بیانیه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در طول زمان ها و مکان ها را دارد.

این تعاریف فرض می کنند دین یک پدیده اجتماعی / فرهنگی است که در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان جریان دارد. همچنین فرض می کنند دین، هم از طریق زمینه های اجتماعی / تاریخی شکل می گیرد و هم از طریق بیانات و تأثیرات مذهبی خاصی، خود به این زمینه ها، شکل می دهد. در نهایت، این تعاریف فرض می کنند بین دین قابل درک از طریق لنز شخص مذهبی و مطالعه علمی دین تفاوت وجود دارد.

انیس (۲۰۱۷) سواد دینی را در (تکورا راجر هارپ، ص ۷) اینگونه تعریف می کند:

" توانایی تشخیص، تجزیه و تحلیل اشتراکات اساسی دین و زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از طریق نقطه نظرات متعدد "

از دیدگاه مسلمانان، آگاهی از دین مسیحیت و یهودیت، بخشی از سواد دینی است؛ زیرا اسلام دین کامل است. از دیدگاه عرفان، یهودی در سطح اول (شریعت) قرار دارد، مسیحیت در جایگاه دوم است (طریقت) و اسلام در سومین و بالاترین سطح تکامل اخلاقی (حقیقت) قرار دارد (نصر، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳).

ارزیابی سواد دینی

برخی موسسات، سواد دینی را ارزیابی می کنند. برنامه ارزیابی سواد دینی در قلمرو اسقف نشین ولونگونگ، اطلاعاتی را در مورد نحوه پردازش و بیان دانش دینی کودکان آنجا، ارائه می دهد. سواد دینی به شیوه ای اشاره می کند که در آن کودکان از مهارت های سواد خود برای ایجاد ارتباط با سنت دینی در مواجهه با خودشان، همسالان، معلمان و اعضای جامعه مذهبی گسترده تر، استفاده می کنند (<http://www.spcdow.catholic.edu.au>).

سواد دینی در ایالات متحده

ایالات متحده یکی از دینی ترین مکان های زمین است، اما با این وجود، ملتی بی سواد از نظر دینی می باشد. بسیاری از پروتستان ها نمی توانند چهار انجیل و بسیاری از کاتولیکها نمی توانند هفت تا از مقدسات و بسیاری از یهودیان نمی توانند پنج کتاب اول کتاب مقدس را نام ببرند. در عین حال سیاستمداران و افسران نظامی همچنان در سخنرانی های خود به ریشه های سیاست های عمومی در مفاهیم دین می پردازند که اغلب این مفاهیم در میان اکثریت قریب به اتفاق شهروندان آمریکایی از یاد رفته و یا به اشتباه تفسیر شده اند.

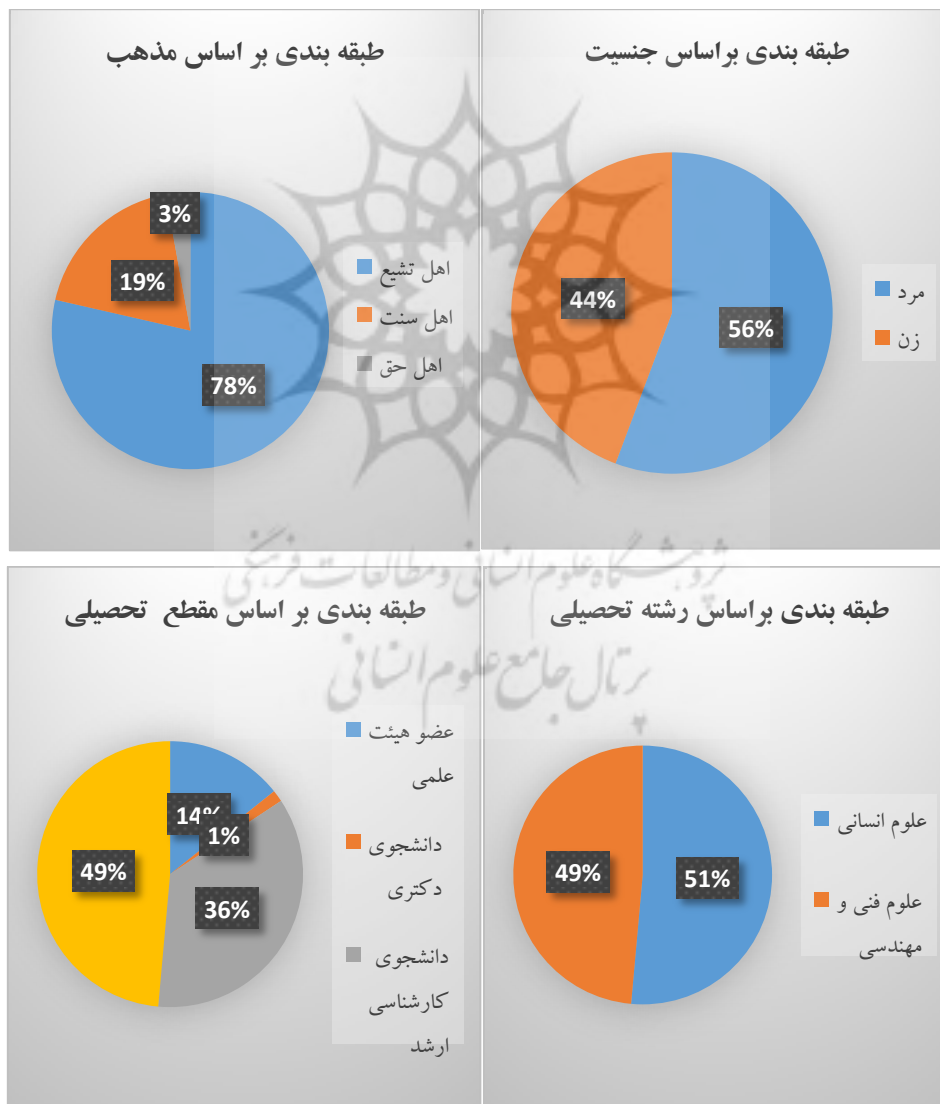
جرمی جی لیتا (۲۰۱۵) در یک نظرسنجی (۵۰۳ نفر) سواد دینی را در بین دانشجویان روزنامه نگاری و دانشجویان غیر روزنامه نگاری مورد آزمایش قرار داد. وضعیت دانشجویان روزنامه نگاری بر اساس سواد دینی ضعیف بوده و بهتر از دانشجویان غیر روزنامه نگاری نبوده است. نتایج نشان می دهد در حالی که دانشجویان روزنامه نگاری و دانشجویان غیر روزنامه نگاری ادعان دارند که روزنامه نگاران به کسب سواد دینی نیازمندند، اما، مدارس روزنامه نگاری در آموزش سطوح مناسب و قابل اطمینان سواد دینی به روزنامه نگاران کوتاهی دارند.

دین

ارائه تعریفی جامع و مانع از دین به سختی امکان پذیر است. دانشمندان سعی کرده اند تعاریفی را ارائه دهند، مثلا تعریف دین به "اعتقاد به وجود خدا و عمل به مقتضیات این اعتقاد" جامع نیست و شامل آیین بودا نمی شود. برخی گفته اند: دین عبارت است از "اعتقاد به یک امر قدسی" و برخی آن را "ایمان به موجودات روحانی دانسته اند". گروهی گفته اند: دین عبارت است از ایمان به یک یا چند نیروی فوق بشری که شایسته اطاعت و عبادت اند (توفیقی، ۱۳۹۴، ص ۳). در تعریف دیگری، دین به معنای راه زندگی است. یکی دین را به مفهوم "اسلوبی که از طریق قوانین، باور ها و اعتقادات آن، زندگی اجتماعی را سامان می بخشیم" معنا کرده است. لکن اکثریت قاطع این تعریف ها عنصری مشترک دارند: آگاهی از امر متعالی^۵ (گیسلر، ۱۳۹۱، ص ۲۹). البته این تعریف، حسب اینکه شامل کدام نوع آگاهی هستند و منظورشان از امر متعالی چیست، با هم تفاوت هایی دارند (همان). لازم است در نظر بگیریم که دین، از مرحله جادو و پرستش طبیعت و شرک به مرحله توحید رسیده است (توفیقی، ۱۳۹۴، ص ۶). بطور کلی ادیان را می توان در سه دسته قرار داد: ادیان ابتدایی، ادیان قدیم و ادیان پیشرفته. ادیان ابتدایی، در نخستین مواجهه های انسان با حوادث طبیعی و ماورایی حاصل شده و شامل عناصری مانند پرستش نیاکان، جادو، توتم، تابو و قربانی، می شود که در میان مردمان پیش از تاریخ رواج داشته است. ادیان قدیم، آیین های تمدن های قدیم خاورمیانه مانند سومر، آشور و بابل و در نهایت ادیان پیشرفته مانند ادیان بزرگ کنونی (همان، ص ۸). باید توجه کنیم ادیان بزرگ آسمانی چشم انداز های متفاوتی داشته اند. از نظر مسیحیان دین راهی است که منجر به سعادت اخروی می شود. از دیدگاه یهودیان، دین راهی است برای سعادت دنیوی و از نظر اسلام دین راهی است که هم به سعادت دنیوی و هم به سعادت اخروی منجر می شود.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق، یک نوع تحقیق کیفی است. برای انجام تحقیقات کیفی پنج شیوه وجود دارد که به پنج سنت [دانایی فرد، ۱۳۹۴ صص ۴۰-۴۱] مشهور است. این شیوه ها عبارتند از: قوم نگاری، نظریه داده بنیاد، مطالعه موردی، پدیدار شناسی، روایتی. برای تحقیق حاضر رویکرد پدیدار شناسانه مد نظر قرار گرفت. هارش سوری (۲۰۱۱، صص ۶۳-۷۱) پانزده نوع نمونه گیری در تحقیق کیفی نام برده است. ما از بین آنها از دو نوع نمونه گیری خوشه ای هدف دار^۶ و نمونه گیری تصادفی هدف دار^۷ استفاده کردیم. از نمونه گیری خوشه ای هدف دار استفاده نمودیم تا به ترکیب درستی از تنوع اعضای جامعه دست بیابیم و از نمونه گیری تصادفی هدف دار بهره بردیم تا "اعتبار نتایج مان را بصورت پایدار" (پتون، ۱۹۹۰، صص ۱۷۹) افزایش دهیم. برنارد (۲۰۰۰) رویکرد های تحلیل داده ها را بدین گونه دسته بندی می کند: تحلیل هرمونوتیک یا تفسیری، تحلیل توصیفی و عملکردی، تحلیل سخنرانی، تحلیل داده بنیان، تحلیل محتوا و تحلیل بین فرهنگی. براساس این دسته بندی، پژوهش حاضر، از نوع تحلیل تفسیری می باشد که با جمع آوری داده های کیفی و تجزیه و تحلیل کیفی و کمی صورت گرفته است. سوالات این تحقیق، برای سنجش میزان سواد دینی و استخراج الگوی آن از اعضای نمونه پرسیده شده است. سوالات باز پاسخ و کوتاه جواب بوده، اعضای جامعه آماری، دانشجویان واساتید دانشکده های علوم انسانی و علوم فنی و مهندسی و تعداد اعضای نمونه آماری، ۷۰ نفر بود. در نمودار های زیر، داده ها براساس شاخص های آمار توصیفی قابل مشاهده اند.



⁶ Stratified purposeful sampling

⁷ Purposeful random sampling

ابزار و روش گردآوری داده ها

محققین ابتدا اعضای جامعه آماری را به دو خوشه اصلی (شیعه، سنی) و خوشه های فرعی (جنسیت، مقطع و رشته تحصیلی) تقسیم بندی کرده و سپس از میان هر یک از این خوشه ها بطور تصادفی اعضای نمونه آماری را انتخاب و اقدام به توزیع پرسشنامه نمودند. در این تحقیق، در جست و جوی نمونه هایی از دو گروه فرعی مسیحی و یهودی نیز بودیم، اما موفق به یافتن و مصاحبه با آنها نشدیم. ابزار گردآوری داده ها در این تحقیق بیشتر از طریق مصاحبه مستقیم با اعضای نمونه بوده، هرچند تعداد معدودی از پرسشنامه ها از طریق اینترنت تکمیل شدند. در این تحقیق تعداد ۹ سوال در حوزه سواد دینی پرسیده شد، چهار سوال اول درباره مذاهب سه دین آسمانی به ترتیب اسلام، مسیحیت و یهودیت و تفاوت های مذاهب این ادیان بود. در سوال پنجم از مصاحبه شونده درخواست شد که هفت دین رایج حال حاضر را نام ببرد. سوال ششم مربوط به اعتقاد به منجی در ادیان مختلف بود. در سوال هفتم از پیامبران اولوالعزم و تفاوت ایشان با پیامبران دیگر پرسیده شد و در سوال بعدی از مصاحبه شونده درخواست شد تا هر تعداد کتب آسمانی را که می شناسد، را نام ببرد و در نهایت در سوال نهم از پاسخ دهنده درخواست گردید در مورد هریک از فرقه های داعش و وهابیت دو کلمه اظهار نظر کنند.

اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده ها

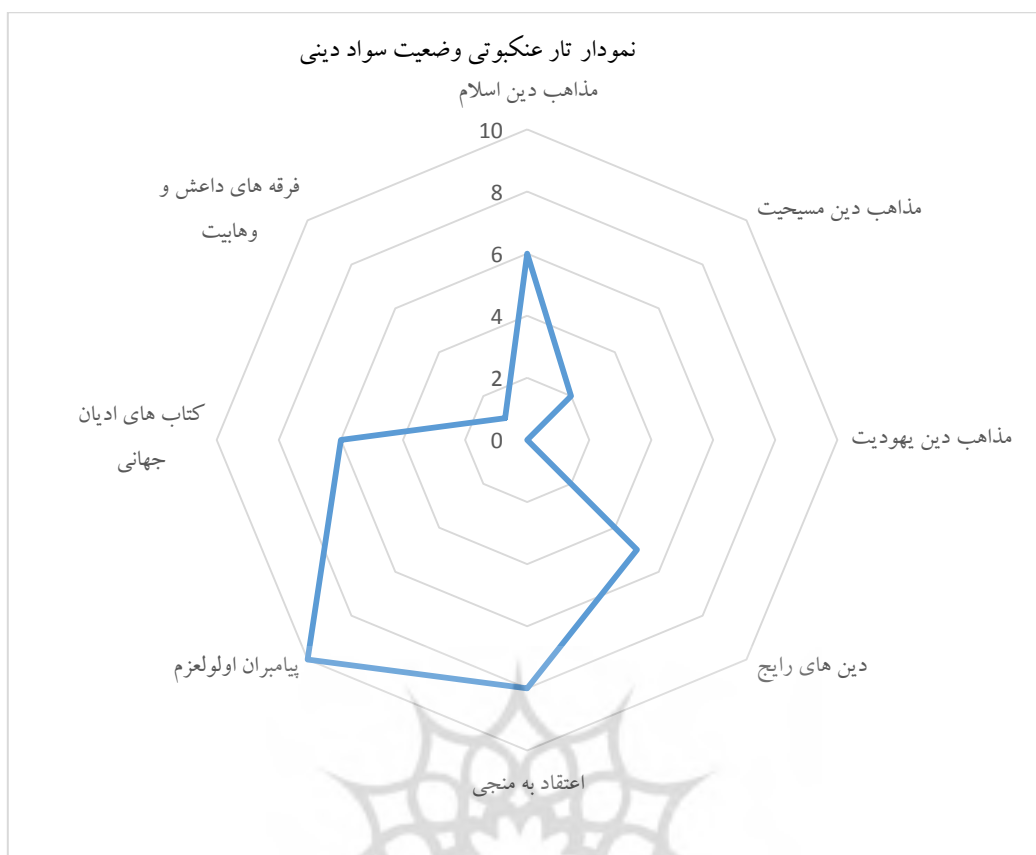
با توجه به اینکه پرسشنامه زیر نظر متخصص حوزه تحقیق، تنظیم شده و نمونه برداری با تایید وی صورت گرفته، به نظر می رسد هر سه اعتبار ظاهری، محتوایی و سازه ای را داشته باشد. همبستگی درونی تحقیق با توجه به کیفی بودن نوع تحقیق و همچنین اعتبار ابزار گردآوری آن، بالاست. به منظور کسب همبستگی بیرونی بالا در این تحقیق سعی شده است در نمونه برداری از اعضا و جامعیت آنها، دقت کافی صورت گیرد، هرچند که تعمیم نتایج تحقیق به اعضای کل جامعه آماری اشکالاتی خواهد داشت و لازم است شیوه های دیگری را برای بالا بردن همبستگی بیرونی بکار بست.

نتایج

- ۱- ۳۸ درصد از اعضای نمونه که اهل سنت (۵ نفر از ۱۳ نفر) بودند، در پاسخ به سوال مذاهب اسلامی، مذهب شیعه را به همراه هر چهار مذهب اصلی (حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی) اهل تسنن ذکر کرده اند. در مقابل، این مقدار در مورد اعضای نمونه ای که اهل تشیع بودند تنها ۵ درصد (۳ نفر از ۵۵ نفر) بوده است. این نتیجه به عنوان شاخص ترین تفاوت در تحقیق حاضر مطرح است و بیانگر این است که در جامعه عمدتاً شیعه کنونی اطلاعات بسیار اندکی در مورد مذاهب دیگر وجود دارد. درصد نسبتاً بالای دانشگاهیان اهل سنت از شاخه های اهل سنت را نیز می توان به حساب مذهب شان در نظر آورد.
- ۲- ۴۸/۵ درصد از کل اعضای نمونه (۳۴ نفر از ۷۰ نفر) تنها به دو مذهب شیعه و سنی بدون اشاره به شاخه های آنها اشاره داشته اند. در واقع حدود نیمی از پاسخ دهندگان فقط از دو مذهب اصلی دین اسلام آگاهی داشته اند و نیمی دیگر به مذاهب متنوع دین اسلام آشنا نبودند.
- ۳- بیش از ۹۸/۵ درصد کل اعضای نمونه، مذهب شیعه را ذکر کرده اند و یک نفر (کمتر از ۲ درصد اعضای نمونه) در مورد مذاهب دین اسلام هیچ پاسخی نداده است. این نتیجه مبین این است که در جامعه شیعی، تقریباً همه از مذهب شیعه آگاهند و نتیجه ای غیر از این جای تعجب داشت.
- ۴- نزدیک به ۸۳ درصد از کل اعضای نمونه، به مذهب اهل سنت (بدون ذکر شاخه های آن) اشاره کرده اند. اهل سنت به عنوان فراگیر ترین مذهب دین اسلام برای اکثریت اعضای جامعه نمونه، قابل شناسایی بوده است.
- ۵- نزدیک به ۱۳ درصد (۹ نفر: ۴ نفر زن، ۵ نفر مرد) از کل اعضای نمونه تفاوت میان مذاهب اسلامی را نمی دانستند و همه این افراد، شیعه مذهب داشتند. در میان اعضای شیعه مذهب اعضای جامعه نمونه این رقم ۲۳ درصد بود. این امر بیانگر این است که بیش از یک پنجم اعضای شیعه مذهب نمونه، از تفاوت مذهب خود با دیگر مذاهب دین اسلام آگاهی ندارند به نظر می رسد این مقدار جای نگرانی دارد.
- ۶- ۳۰ درصد (۲۱ نفر از ۷۰ نفر) از کل اعضای نمونه، نه از مذاهب دین مسیحیت و نه از تفاوت های آنها با هم، آگاهی نداشتند. نزدیک به یک سوم از کل اعضای نمونه تقریباً هیچگونه آگاهی ای در مورد دین مسیحیت ندارند.

- ۷- بیش از ۸۴ درصد (۵۹ نفر از ۷۰ نفر) از کل اعضای نمونه، از تفاوت های مذاهب دین مسیحیت آگاهی نداشتند. بقیه اعضا نیز اشاره جزئی و ناقص داشتند. به بیان دیگر اکثر اعضای نمونه نسبت به تفاوت های دین مسیحیت نا آگاهند.
- ۸- ۱۸ درصد (۱۳ نفر) از کل اعضای نمونه، به سه مذهب اصلی (کاتولیک، پروتستان و ارتدکس) دین مسیحیت اشاره کرده اند. کمتر از یک پنجم از اعضای نمونه نسبت به سه مذهب اصلی دین مسیحیت نا آگاهند.
- ۹- تنها ۷ درصد (۵ نفر از ۷۰ نفر) از کل اعضای نمونه -که همگی شیعه مذهب بودند، به مذاهب دین یهودیت اشاره کرده اند و حدود ۹۳ درصد از اعضای نمونه، اطلاعی از مذاهب دین یهودیت نداشته اند. سطح آگاهی از دین یهودیت بسیار پایین ارزیابی می شود.
- ۱۰- ۱۰۰ درصد کل اعضای نمونه، از تفاوت های مذاهب دین یهودیت اطلاعی نداشته اند. همانند نتیجه پیشین سواد دینی در مورد دین یهودیت بسیار پایین و ناچیز است.
- ۱۱- نزدیک به ۸۶ درصد (۶۰ نفر) از کل اعضای نمونه، توانسته اند به بیش از سه مورد از دین هایی رایج در حال حاضر، اشاره کنند. با توجه به گسترش ارتباطات و همچنین زمینه های تقابلی ادیان از گذشته های دور تا کنون، این میزان از آگاهی از ادیان قابل پیش بینی بود.
- ۱۲- نزدیک به ۱۶ درصد (۱۱ نفر) از کل اعضای نمونه، مذاهب دین های مختلف را اشتباها به عنوان دین اعلام کرده اند. هیچکدام از اساتید دانشگاهی (۱۰ نفر) که با آنها مصاحبه شد، این خطا را نداشتند. شاید سطح علمی بالای اساتید دانشگاهی و یا ارتباط مستمرشان با دانشجویان مختلف دلیل صحت پاسخ هایشان در مورد دین های مختلف باشد.
- ۱۳- درصد فراوانی دین های اعلام شده توسط تمامی اعضای نمونه به این ترتیب است: اسلام: ۱۰۰ درصد، یهودیت و مسیحیت هر کدام: ۸۵.۷ درصد، بودایی: ۶۴.۲ درصد، زرتشتی: ۵۵.۷ درصد، هندویی: ۲۵.۷ درصد، شین تو: ۱۱.۴، مانوی: ۵.۷ درصد. نکته قابل توجه کسب درصد فراوانی پایینتر دین های بومی ایرانی همچون زرتشتی و بخصوص دین مانوی نسبت به ادیان ابراهیمی و دین بودایی است. آیا ایرانیان در حال فراموش کردن دین های باستانی خود هستند؟
- ۱۴- نزدیک به ۱۳ درصد از کل اعضای نمونه درباره اعتقاد به منجی در میان ادیان مختلف پاسخی نداده اند. حدود ۸۷ درصد از کل اعضای نمونه به ظهور منجی در میان ادیان مختلف اشاره داشته اند. به باور اکثر اعضای نمونه، وجود منجی برای بشر، امری بدیهی به نظر می رسد.
- ۱۵- ۱۱.۴ درصد از کل اعضای نمونه، به هیچکدام از پیامبران اولوالعزم و تفاوت های ایشان با پیامبران دیگر اشاره ای نکردند.
- ۱۶- بیش از ۷۱ درصد از اعضای نمونه به هر پنج پیامبر اولوالعزم (حضرت نوح(ع)، حضرت ابراهیم(ع)، حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص)) اشاره کرده اند. نزدیک به سه چهارم اعضای نمونه، نام و ترتیب صحیح پیامبران اولوالعزم را می دانند.
- ۱۷- حدود ۴۷ درصد از کل اعضای نمونه، به تفاوت های میان پیامبران اولوالعزم و سایر پیامبران اشاره کرده اند. حدود نیمی از اعضای نمونه نسبت به تفاوت های میان پیامبران اولوالعزم و سایر پیامبران آگاهند.
- ۱۸- درصد فراوانی کتب آسمانی اعلام شده توسط کل اعضای نمونه: انجیل: ۹۵.۷ درصد، قرآن: ۹۴.۲ درصد، تورات: ۹۰ درصد، اوستا: ۲۸ درصد و زیور: ۲۰ درصد. در اینجا دو نکته وجود دارد، نکته اول: بالاتر قرار گرفتن رتبه کتاب مقدس انجیل نسبت به قرآن کریم است و نکته دوم در راستای نتیجه سیزدهم قرار دارد چراکه تنها کمی بیشتر از یک چهارم اعضای نمونه به کتاب اوستا اشاره داشته اند در حالیکه این کتاب قرن ها به عنوان کتاب مقدس و بومی ایرانیان بوده و هنوز هم در ایران پیروانی برای خود دارد. هیچ کس از ۷۰ نفر عضو نمونه به کتاب دین مانوی که دین بومی ایران است، اشاره ای نداشته است که جای بسی تعجب دارد.
- ۱۹- حدود ۲۱ درصد از کل اعضای نمونه، درباره وهابیت نکته خاصی را ذکر نکرده اند.
- ۲۰- حدود ۶۰ درصد از پاسخ دهندگان درباره داعش از کلمه "افراطی" یا کلماتی با این مفهوم استفاده کرده اند. این درصد فراوانی باتوجه به فضای عمومی همه رسانه های رسمی و غیر رسمی، پایین به نظر می رسد.
- ۲۱- غالب پاسخ ها درباره داعش و وهابیت مفاهیم منفی را در برداشته اند. یعنی غالب دانشگاهیان اعضای جامعه نمونه نگرش منفی درباره داعش و وهابیت دارند. می توان استنباط کرد که سواد دینی دانشگاهیان از فضای فکری (و مطبوعاتی) هر جامعه ای مثل ایران اثر می پذیرد. در پاسخ پرسشی که یکی از نویسندگان این مقاله از دانشجویان خود در دانشگاه ها طی سه سال اخیر پرسید هیچ کدام کتب درسی یا منابع دست اول از دیدگاه های داعشی ها و وهابیت مطالعه نکرده بودند. یعنی سواد مذهبی دانشجویان منبعث از منابع دست اول مذاهب دیگر اسلامی نیست.

با توجه به نتایج حاصله وضعیت بی سواد و سواد دینی را می توان بصورت نمودار تار عنکبوتی زیر رسم نمود:



تحلیل و تفسیر نتایج

سطح سواد دینی در اکثر پاسخ دهندگان پایین بود، تنها استثنا در این میان آگاهی بالای دانشجویان مذاهب اهل تسنن از تفاوت ها و شباهت های میان باورهای اهل تسنن و شیعیان بود. به نظر می رسد جنسیت، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی نقشی در میزان سواد دینی ندارد. مذهب عضو جامعه نمونه نیز به جز در مورد سوالات مربوط به مذاهب اسلامی و تفاوت های آنها با هم، تاثیر معناداری را نشان نمی دهد. آگاهی از مذاهب اصلی دین مسیحیت وضعیت نسبتاً قابل قبولی دارد اما در ذکر تفاوت های آنها تقریباً هیچگونه سواد و وجود ندارد و به نظر می رسد پاسخ دهندگان، از مذاهب دین مسیحیت تنها نامشان را می دانند. در مورد دین یهودیت، سواد دینی بسیار ناچیز است و دانشگاهیان از دین یهودیت هیچگونه آگاهی ندارند. تعداد اندکی توانسته اند هفت دین رایج در زمان حاضر را نام ببرند. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به سه دین آسمانی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و آیین بودایی و زرتشتی است. قریب به اتفاق پاسخ دهندگان، به ظهور منجی در میان ادیان مختلف اشاره داشته اند. نزدیک به سه چهارم اعضای نمونه، هر پنج پیامبر اولوالعزم را نام بردند. پاسخ دهندگان به راحتی توانستند به سه کتاب آسمانی قرآن، انجیل و تورات اشاره کنند اما از کتب دیگر آسمانی اطلاع چندانی نداشتند. همه پاسخ ها نسبت به دو مفهوم داعش و وهابیت بار معنایی منفی را با خود حمل می کند.

استنتاج

با نگاه به نتایج حاصله، به نظر می رسد هیچگونه مدیریت سواد دینی در میان اعضای نمونه وجود نداشته است. نتایج نسبتاً قابل قبول بدست آمده از سوال مربوط به مذاهب دین اسلام و تفاوت های آنها را نمی توان نتیجه یک سیاست گذاری دانست بلکه این آگاهی ها در یک بستر طبیعی و به واسطه ارتباط متقابل مذاهب مختلف اسلامی با یکدیگر بدست آمده است. لذا می توان اظهار داشت سواد درون دینی در میان اعضای نمونه که همگی از یک دین بودند، سطح نسبتاً قابل قبولی را نشان می دهد. با تساهل می توان گفت سواد درون مذهبی میان دو مذهب اصلی شیعه و سنی جایگاه قابل قبولی دارد، هرچند که بیشتر اعضای نمونه در پاسخ به تفاوت های همین مذاهب نیز عاجز بودند. در مورد سواد بین دینی اوضاع وخیم است. تعداد

اندکی توانسته اند به مذاهب دین مسیحیت اشاره کنند، اما این آگاهی تنها در حد گفتن نام مذهب بوده و در پاسخ به تفاوت های مذاهب نا توانی مشهود است. اوضاع برای دین یهودیت بسیار بد است، تقریباً می توانیم بگوییم که هیچ سوادى نسبت به دین یهودیت در میان اعضای نمونه وجود ندارد. این نتایج چشم انداز مناسبی را برای گفتگو با مسیحیان و یهودیان ایرانی و یا غیر ایرانی ایجاد نمی کند. اعضای نمونه در نام بردن از ادیان رایج در زمان حال خوب ظاهر شدند و در پاسخ به سوال مربوط به اعتقاد به منجی و پیامبران اولوالعزم، کتاب های آسمانی وضعیت نسبتاً مطلوبی داشتند. پاسخ دهندگان درباره مفهوم داعش و وهابیت از کلمات قهر آلود و منفی بهره جسته اند.

پیشنهادات

با توجه به پدیده جهانی شدن، گسترش ارتباطات و لزوم ایفای نقش کارکردی در جامعه جهانی، ناگزیریم رویارویی مداوم و افزایشده ای با دین و رزاق دین های رایج در بستر های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی و اقتصادی داشته باشیم، لازم است اقداماتی را، هم برای شناخت صحیح از ادیان و مذاهب مختلف و هم برای تسهیل روابط در ابعاد گوناگون و بازیگری فعالانه در جامعه جهانی انجام دهیم. بدیهی است که جامعه ما با شناخت صحیح از ادیان مختلف از اشاعه افکار نامعتبر و غرض ورزانه جلوگیری خواهد کرد و امکان تعامل سازنده با ادیان دیگر را بدست خواهد آورد. لذا نویسندگان برای تحقق این امر پیشنهادتی را ارائه می دهند:

- ۱- با توجه به ضرورت آموزش صحیح به آموزگاران مدارس ابتدایی و دبیرستان، پیشنهاد می شود به ایشان در مورد ادیان، فرهنگ ها، قومیت ها و نژاد های مختلف آموزش های دقیق، علمی، غیر دینی و معتبر ارائه گردد.
- ۲- در کتاب تعلیم دین مقاطع پایه (دبستان و دبیرستان)، اطلاعات معتبری را از تفاوت میان مذاهب اسلامی مختلف گنجانده شود. همچنین اطلاعات مفید و بدن سو گیری در مورد ادیان دیگر مانند مسیحیت، یهودیت، بودایی و هندویسم در کتاب های درسی ارائه گردد. در کلاس های درسی در مورد کتاب هاب مقدس، پیامبران و منجی بشریت در ادیان مختلف و همچنین ادیان دیگر فرقه های مختلف دین همچون داعش، وهابیت و بهائیت بدون سو گیری، با رویکرد غیر دینی و علل بروز و ظهور اینگونه فرقه، بحث و تبادل نظر شود.
- ۳- با توجه به ضرورت افزایش تنوع و تکثر به عنوان راه حلی مسالمت آمیز برای برخورد فرهنگ های گوناگون در محیط های سالم، پیشنهاد می شود در دانشگاهها حضور دانشجویان و اساتید سایر فرهنگ ها و ادیان را تشویق شود و در صورت امکان، دوره های بورسیه به دانشگاهیان خارج از کشور برای تحصیل در داخل کشور اعطا گردد. این موضوع هم سبب رشد نشاط علمی دانشگاهها و هم موجب برخورد دوستانه فرهنگ های مختلف و تبلیغ صحیح فرهنگ بومی می شود، همانگونه که در دانشگاه تهران در سطح کوچکی، از این گونه اقدامات رخ می دهد و سالانه دانشجویانی از کشور های مختلف من جمله ترکیه، عراق، سوریه، اوکراین و چین در این دانشگاه به تحصیل مشغول می شوند.
- ۴- در قوانینی که در آنها تبعیض نسبت به فرهنگ ها، قومیت ها و ادیان دیگر وجود دارد، تجدید نظر شود تا عدالت توزیعی و رویه ای بصورت عیان قابل مشاهده باشد.
- ۵- با توجه به ظرفیت های عصر اطلاعات و ارتباطات، توصیه می شود از ظرفیت بی نظیر رسانه های تصویری، صوتی و اینترنتی برای اشاعه اطلاعات معتبر درباره سایر فرهنگ ها و ادیان، بهره برداری گردد.

منابع و مراجع

۱. توفیقی، حسین (۱۳۹۴)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، انتشارات سمت، ص ۳ و ۵.
۲. کرسول، جان. دلبیو، طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)، مترجم: دانایی فرد، حسن. صالحی، علی (۱۳۹۴). چاپ دوم، ص ۴۰-۴۱.
۳. گیسلر، نورمن، فلسفه دین، تهران آیت الهی، حمید رضا (۱۳۹۱)، انتشارات حکمت، ص ۲۶.
4. Bernard, H.R. (2000). Social research methods: thematic analysis and code developments. Thousand oaks, CA: Sage Publications.
5. Ennis, Ariel (2017), Teaching religious literacy a guide to religious and spiritual diversity in higher education, Routledge, New York.
6. Eum, W (2011), Religion and Economic Development, University of California, Berkeley, April 29, 2011.
7. J. Littau, Jeremy (2015), Time to “Get” Religion? An Analysis of Religious Literacy Among Journalism Students, Journal of Media and Religion Volume 14, 2015 - Issue 3. Teaching Media and Religion: Emerging Best Practices.
8. J. Nash, Robert & A. Bishop, Penny (2010). Teaching Adolescents Religious Literacy in a Post9/11 World, Vermont, University of Vermont. p 6.
9. L. Moore, Diane (2015). Overcoming Religious Illiteracy: A Cultural Studies Approach, World History Connected Vol. 4, Issue 1.
10. Nasr, Seyyed Hossein (1385), Maarefe Islami Dar Jahane Maaser Islamic (Islamic Cognizance in the contemporary world), Elmi Farhaangi publication. tehran, 223.
11. Patton, M. (1990). Qualitative evaluation and research methods (pp. 169-186). Beverly Hills, CA: Sage.
12. Suri, Harsh, (2011), 'Purposeful Sampling in Qualitative Research Synthesis', Qualitative Research Journal, vol. 11, no. 2, pp. 63-75. DOI 10.3316/QRJ1102063. This is a peer-reviewed article.
13. Tecora Rogers (2017), Book Review: Teaching Religious Literacy: A Guide to Religious and Spiritual Diversity in Higher Education, Journal of Catholic Education. Volume 21 Issue 1 Article 9.
14. <http://www.spcdow.catholic.edu.au>.
15. www.religiousliteracyHE.org ... Religious Literacy Leadership in Higher Education is an inter-university.